کیهان

پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ □ ۱۰ ذی‌القعده ۱۴۴۶ □ ۸ مه ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۸۵۲

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۱، اذان مغرب: ۱۹/۱۷، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۳، اذان صبح(فردا): ۳/۲۸، طلوع آفتاب(فردا): ۵/۰۴

صدر اعظم جدید آلمان کار خود را با حمله به ترامپ شروع کرد

صدراعظم تازه منتخب آلمان هنوز از راه نرسیده، به رئیس‌جمهور آمریکا حمله کرد و هشدار داد کاخ‌سفید حق مداخله در امور داخلی آلمان را ندارد.

«فریدریش مرتس»، رهبر حزب دموکرات مسیحی و صدراعظم جدید آلمان، روز سه‌شنبه در گفت‌وگویی با شبکه «زددی‌اف» آلمان مداخلات اخیر مقامات دولت ترامپ در سیاست داخلی آلمان را «مضحک» توصیف کرد و از آمریکا خواست از دخالت در امور داخلی این کشور فاصله بگیرد. طبق گزارش روزنامه انگلیسی گاردین، این اظهارات پس از آن مطرح شد که حزب «آلترناتیو برای آلمان» که به‌تازگی از سوی سازمان اطلاعات داخلی آلمان به‌عنوان یک گروه «افراطی راست‌گرا» طبقه‌بندی شده، حمایت‌هایی از سوی چهره‌هایی مانند ایلان ماسک و معاون رئیس‌جمهور آمریکا، جی‌دی ونس، دریافت کرده‌است. «مرتس» با اشاره به اینکه در انتخابات آمریکا دخالتی نکرده است، تأکید کرد که انتظار دارد دولت آمریکا نیز به همین شکل رفتار کند. طبق گزارش گاردین، مرتس تأکید کرد که اولویت اصلی او تقویت وحدت اروپا و دستیابی به استقلال بیشتر از آمریکا است.

مذاکرات پنهانی سران رژیم صهیونیستی با تروریست‌های حاکم بر سوریه

همزمان با ورود سرکرده تروریست‌های حاکم بر سوریه به پاریس، شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی از مذاکرات محرمانه بین سوریه و رژیم اسرائیل با میانجیگری امارات خبر داد.

شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی دیروز (چهارشنبه) اعلام کرد که امارات در حال میانجیگری مذاکرات بین رژیم صهیونیستی و سوریه است. بر این اساس، خبرگزاری «رویترز» به نقل از سه منبع آگاه به مذاکرات گزارش کرد که امارات یک کانال مخفی برای مذاکرات بین اسرائیل و سوریه ایجاد کرده است که بر مسائل امنیتی و اطلاعاتی و همچنین «اعتمادسازی» بین طرفین متمرکز است. یکی از منابع گفته است این مذاکرات چند روز پس از سفر «ابومحمد الجولانی»، رئیس دولتِ خودخوانده حاکم بر سوریه، به امارات در تاریخ ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین) آغاز شده است. همچنین یک منبع اطلاعاتی دیگر مدعی شد، برخی از مقامات اطلاعاتی سابق سوریه و رژیم اسرائیل در این سازِکار دخیل بوده‌اند. به هر حال این رژیم‌ها تاکنون در این مورد اظهارنظر نکرده‌اند.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

موشک‌های یمن آمریکا را به عقب‌نشینی واداشت

سرویس خارجی-

حملات مکرر یمن به ناوهای آمریکایی و به ویژه حمله اخیر ارتش این کشور به فرودگاه «بن‌گوریون» گویا بسیار شوکه‌کننده بوده و آمریکا را به عقب‌نشینی واداشته است. دولت «ترامپ» مجبور شد به توافق با مقاومت یمن تَن دهد، در حالی که مقاومت تأکید کرده است که حملات به اراضی اشغالی ادامه خواهد داشت.

تحولات پرسرعت اخیر در منطقه غرب آسیا، بار دیگر نشان داد که باز هم موازنه قدرت در حال تغییر است (چیزی که این روزها ما به آن عادت کردیم) و این‌بار هم، ابتکار عمل نه در دست بازیگران سنتی بلکه در اختیار نیروهایی است که سال‌ها و تدریجی در جغرافیای مقاومت ریشه دوانده‌اند. یمن، با اتکا به توان بومی و اراده سیاسی، توانسته است بازی را در یکی از حساس‌ترین میادین تقابل، یعنی دریای سرخ و اراضی اشغالی، به سود خود تغییر دهد. حملات دقیق و مکرر یمنی‌ها به منافع آمریکا و رژیم آپارتاید اسرائیل، به ویژه عملیات اخیر علیه فرودگاه بن‌گوریون، موجب شد آمریکا در موضعی تدافعی قرار گیرد و به توافق با مقاومت یمن تن دهد. نکته قابل‌توجه در این میان، موضع‌گیری‌های «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا است؛ چهره‌ای که علی‌رغم لفاظی‌ها و ژست‌های سخت‌گیرانه، در بزنگاه‌هایی که پای هزینه‌های واقعی در میان است، بعضاً به‌سرعت از مواضع خود عقب‌نشینی می‌کند. روند گفت‌وگوها با میانجی‌گری عمان و امضای عملی یک آتش‌بس نانوشته! نشانه‌ای روشن از آن است که حتی واشنگتن نیز ناچار به پذیرش شرایط جدید شده است؛ شرایطی که در آن، مقاومت دیگر صرفاً واکنشی نیست، بلکه بازیگری با دست بالا و ابتکار عمل محسوب می‌شود.

وزارت خارجه عمان پیش‌تر اعلام کرده بود که رایزنی‌های مستمر مسقط با طرف‌های درگیر (آمریکا و یمن)، به تفاهمی انجامیده که بر اساس آن، هر یک از طرفین از هدف قرار دادن دیگری از جمله ناوها و کشتی‌های آمریکایی خودداری خواهند کرد. اما در این میان اتفاق دیگری افتاد که شاید در تسریع ماجرا نقش داشته است: باز هم یک جنگنده نیروی دریایی آمریکا (سه‌شنبه) نتوانست روی ناو هواپیمابر «یواس‌اس هری ترومن» فرود بیاید و به دریای سرخ سقوط کرد؛ این حادثه چهارمین سانحه مهم مرتبط با این ناو و سومین جنگنده‌ای است که از زمان اعزام آن در سال گذشته به این منطقه از دست رفته است. بسیاری بر این باروند، این جنگنده نیز مثل دو جنگنده قبلی، پس از شلیک یمنی‌ها، ناپدید شده است!

دست بالای یمن در توافق با واشنگتن

«محمد عبدالسلام»، سخنگوی رسمی جنبش انصارالله یمن، جزئیاتی از توافق میان صنعا و واشنگتن را تشریح کرد و گفت: «این توافق به‌وضوح شامل توقف حملات آمریکا به یمن است و به دنبال گفت‌وگوهای طولانی‌مدت از طریق میانجی‌گران حاصل شده است. پاسخ ما به اسرائیل همچنان ادامه خواهد داشت و حملات به کشتی‌های وابسته به این رژیم تا زمان ورود کمک‌ها به غزه متوقف نمی‌شود. هیچ نوع باج‌خواهی درخصوص حمایت از مردم غزه پذیرفته نخواهد شد و یمن اولویت خود را همچنان حمایت از مقاومت فلسطین اعلام می‌کند. بدون شک پاسخ ما به رژیم اشغالگر در راه است.» گفتنی است، پس از اینکه رئیس‌جمهور آمریکا سه‌شنبه‌شب اعلام کرد حملات به یمن را متوقف می‌کند، یک مقام آمریکایی تصریح کرد آنچه با جنبش انصارالله یمن حاصل شده است، صرفاً تفاهم شفاهی است!

ترامپ از ترس جانش آتش‌بس اعلام کرد

«محمد طاهر انعم»، مشاور شورای عالی سیاسی یمن اما گفت که: «ترس از هدف قرار گرفتن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا توسط نیروهای مسلح یمن در سفر پیش روی وی به عربستان و امارات به دلیل جنایت‌های جنگی زیاد وی در یمن و قتل غیرنظامیان با موشک‌های آمریکا، عامل تعیین‌کننده و اصلی است که باعث شد آمریکایی‌ها اخیراً با عمانی‌ها تماس برقرار کرده و از آنها بخواهند برای توقف جنگ و آتش‌بس با هیئت یمنی صحبت کنند. انگیزه اصلی برای اعلام آتش‌بس از سمت آمریکا ترسی است که در ذهن ترامپ نسبت به سفر آتی وی وجود دارد. یمنی‌ها در هدف قرار دادن وی و هواپیمایش در صورت نزدیک شدن به مسیر موشک‌ها و پهپادهای یمن در منطقه تردید نخواهند کرد.» اگرچه برخی تحلیلگران نیز معتقدند، از آنجایی که درخواست برای آتش‌بسِ پس از حملات سنگین آمریکا به یمن صورت می‌گیرد، احتمالاً با هدف متوقف کردن پاسخ یمن درخواست شده است! این آتش‌بسِ شفاهی لرزان، به هر دلیلی درخواست و اجرائی شده باشد، چون از سوی آمریکا و پس از ضرباتی که به ناوهای این کشور وارد شد، درخواست شده یعنی، یمن دست برتر را دارد...!

دریای سرخ همچنان ناامن

«محمد البخیتی»، عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن، اما تأکید کرده که: «توافق با آمریکا برای توقف عملیات نظامی، شامل کشتی‌های عازم به سمت فلسطین اشغالی نمی‌شود. عبور تمامی کشتی‌های غیرمرتبط با اسرائیل از دریای سرخ، عرب و باب‌المندب آزاد است. واشنگتن به دلیل دخالت در تجاور به یمن، متحمل خسارات سنگین مالی و نظامی شده است.»

تحلیل سی‌ان‌ان

شبکه آمریکایی «سی‌ان‌ان» نیز به نقل از مقامات دفاعی این کشور گزارش داد: «توقف حملات آمریکا به یمن پس از آن صورت می‌گیرد که در ۷ هفته گذشته، حوثی‌ها دست‌کم ۷ پهپاد چندین میلیون دلاری آمریکا را سرنگون کرده و مانع ورود آمریکا به مرحله دوم عملیات خود علیه یمن شده‌اند. عملیات آمریکا علیه یمن تأثیرات بسیار کمی داشته است. ارتش آمریکا دستور دارد تا حملات خود علیه یمن را متوقف کند. بیانیه ترامپ پس تحرکات دیپلماتیک در روزهای اخیر بین آمریکا، عمان و حوثی‌ها منتشر می‌شود.»

حمله‌ای دیگر

در بحبوحه سروصداها در مورد توافق، ارتش رژیم صهیونیستی اذعان کرد که یک پهپاد از سمت شرق به اراضی اشغالی شلیک شد. روزنامه اسرائیلی «یدیعوت آحارونوت» نوشت: «پهپادی که ارتش اسرائیل رهگیری کرد از یمن شلیک شد.» اما باید توجه داشت که طبق مرام و ادعای مقاومت یمن، این تازه آغاز راهِ انتقام از حمله رژیم به صنعاست. «مهدی المشاط»، رئیس شورای عالی سیاسی یمن، اعلام کرد «یمن به هیچ وجه از حمایت از غزه دست نخواهد کشید. به هر قیمتی که تمام شود، هیچ بازگشتی از حمایت از غزه وجود ندارد، آنچه رخ داده ثابت می‌کند که ضربات ما دردناک هستند و ادامه خواهند داشت.»

حمله‌ای که کار خود را کرد!

شرایط حاکم بر یمن نشانگر استیصال صهیونیست‌ها و حامیان آنهاست. با توجه به تداوم جنایات رژیم صهیونیستی در غزه، نیروهای یمن در پاسخ به این اقدام و حمایت از غزه و ادامه حملات خود موشک بالستیک فراصوت را به فرودگاه بن‌گوریون شلیک کردند که با موفقیت به هدف اصابت کرد. حمله به صنعا و دیگر زیرساخت‌های یمن توسط رژیم آپارتاید واکنش به این حمله دردناک بود. وزارتخانه‌های یمن ضمن محکومیت شدید حملات رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های این کشور، هدف از آن را تشدید محاصره و افزایش مشکلات برای مردم یمن اعلام کردند. اما رژیم اسرائیل هرچه کند، حمله به بن‌گوریون کار خود را کرد. همان‌طور که وزیر خارجه دولت مستقر در صنعا تصریح کرد: «موشک یمنی که به فرودگاه بن‌گوریون اصابت کرد، توهم برتری رژیم صهیونیستی را فرو ریخت و در هم شکست.» هنوز پروازها به بن گوریون به حالت عادی برنگشته است. حتی دیروز یکی از شرکت‌های هواپیمایی آمریکا تمامی سفرهای خود از نیویورک به مقصد اراضی اشغالی را به دلیل عملیات‌های هوائی یمن لغو کرد. در نهایت، آنچه امروز در منطقه می‌گذرد، دیگر صرفاً جنگ روایت‌ها یا نمایش قدرت‌های بزرگ نیست؛ واقعیت، از درون میدان‌های نبرد و تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی سر برآورده و دارد نقشه‌های قبلی را یکی‌یکی به چالش می‌کشد. آمریکا که روزی با ناوهایش سلطه‌اش را به رخ می‌کشید، حالا ناچار شده برای امنیت همان ناوها با طرفی مذاکره کند که روزگاری اصلاً به رسمیت نمی‌شناخت. یمنی‌ها، بی‌آنکه اتکای اساسی به حمایت‌های بیرونی داشته باشند، توانسته‌اند معادلات را بر هم بزنند و کاری کنند که حتی رئیس‌جمهور آمریکا هم مجبور به عقب‌نشینی شود. این تحولات، جدا از جنبه نظامی و سیاسی، حامل یک پیام مهم است: در معادلات جدید منطقه، صدای مقاومت بیش از همیشه شنیده می‌شود و بازیگرانی که روزگاری نادیده گرفته می‌شدند، حالا بر خطوط قرمز قدرت‌های بزرگ اثر می‌گذارند. این فقط یک پیروزی موضعی برای یمن نیست؛ این نشانه‌ای است از شکسته‌شدن یک قاعده قدیمی، و آغاز دورانی که در آن توازن قوا دیگر در پایتخت‌های غربی رقم نمی‌خورد، بلکه در جایی میان کوه‌های صعده و پهنه دریای سرخ، بازتعریف می‌شود.

دیروز اتفاق افتاد

حمله موشکی یمن به قلب اسرائیل ساعاتی پس از آتش‌بس با آمریکا

رسانه‌های رژیم صهیونیستی دیروز از شلیک یک موشک بالستیک دیگر از یمن به سوی تل‌آویو خبر داده‌اند.

«باراک راوید»، خبرنگار سیاسی صهیونیست، در وب‌سایت عبری‌زبانِ «والا» نوشته بود: «ترامپ بدون اطلاع اسرائیل با حوثی‌ها به توافق آتش‌بس رسید و نتانیاهو و ران درمر، معتمد نزدیکش که مسئول روابط با دولت آمریکا است، را شرمنده کرد.» حالا که حداقل رسماً آمریکا خود را کنار کشیده است و در بحبوحه بحث‌ها در مورد توافقِ نانوشته آمریکایی‌ها و یمنی‌ها، رسانه‌های صهیونیستی از وقوع یک حمله موشکی به مقصد تل‌آویو خبر دادند و اعلام کردند که این موشک از خاک یمن شلیک شده است. به گفته منابع صهیونیستی، موشک از نوع بالستیک بوده و در میانه مسیر خود شناسایی شده است. اگرچه برخی منابع مدعی شده‌اند که این موشک توسط سامانه‌های پدافندی در آسمان عربستان و توسط سامانه ضد موشکی رهگیری و منهدم شده است، اما منابع رسمی در ریاض و واشنگتن تاکنون واکنشی در این‌باره نشان نداده‌اند. این حمله در ادامه عملیات‌های اعلام‌شده مقاومت یمن در پاسخ به حملات گسترده رژیم صهیونیستی به غزه و حمایت از مقاومت فلسطین صورت گرفته است. «به نظر می‌رسد این یعنی تحقیر آمریکا توسط مردان مقاومت!»

سازمان جاسوسی آمریکا تصاحب «گرینلند» را رسماً کلید زد!

سرویس خارجی-

گزارش رسانه‌های آمریکایی حاکی است، سازمان‌های جاسوسی این کشور جمع‌آوری اطلاعات برای اجرای طرح تصاحب جزیره «گرینلند» را رسماً آغاز کرده‌اند.

ترامپ از روزی که برای بار دوم وارد کاخ‌سفید شد، بارها خواستار الحاق کانال پاناما، کانادا و گرینلند به آمریکا شده است. به گفته نزدیکان ترامپ، وی معتقد است قدرت‌های بزرگ اگر به دنبال تصاحب سرزمین‌های جدید نباشند خواهند مُرد! به همین دلیل وی در تلاش است وسعت سرزمینی آمریکا را افزایش دهد. ترامپ طی این مدت حتی استفاده از نیروی نظامی برای تصاحب گرینلند را تکذیب نکرده است. رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی ماه مارس (اسفند) در کنگره گفت: «ما به گرینلند برای امنیت ملی و حتی امنیت بین‌المللی نیاز داریم و در حال همکاری با همه طرف‌های مرتبط هستیم تا آن را به دست آوریم و به هر طریق ممکن، این جزیره را خواهیم گرفت.»

گزارش‌های جدید حاکی است آمریکا در حال افزایش تلاش‌های برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد گرینلند است؛ اقدامی که به گفته دو منبع آگاه، دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا را وارد کارزار ترامپ برای تصاحب این جزیره کرده است. «وال‌استریت ژورنال» در گزارش خود به نقل از چند مقام بلندپایه خبر داد که تحت‌نظر مدیر اطلاعات ملی این کشور تولسی گابارد، هفته گذشته پیامی با عنوان «تأکید بر جمع‌آوری اطلاعات» برای رؤسای آژانس‌های اطلاعاتی این کشور صادر شد. در این پیام از آنها خواسته شده که اطلاعات بیشتری درباره «جنبش استقلال‌طلبی گرینلند» و نگرش مردم این جزیره نسبت به استخراج منابع توسط آمریکا به دست آورند. در این پیام محرمانه، از آژانس‌هایی که ابزارهایی چون ماهواره‌های جاسوسی، شنود ارتباطات و جاسوسان میدانی دارند، خواسته شده افرادی را در گرینلند و دانمارک شناسایی کنند که از اهداف آمریکا برای این جزیره حمایت می‌کنند. بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، این دستور، یکی از نخستین گام‌های عملی دولت ترامپ در جهت تحقق تمایلش برای تصاحب گرینلند است. به گفته یک مقام پیشین اطلاعاتی آمریکا و یک افسر ارشد سابق اطلاعاتی که بر اروپا متمرکز بوده، جزیره قطبی گرینلند با جمعیتی حدود ۵۶هزار نفر به‌طور سنتی هدف اصلی جمع‌آوری اطلاعات توسط نهادهای اطلاعاتی آمریکا نبوده است. جدای از گرینلند، ترامپ در فکر تصاحب کشور کانادا نیز هست. دیروز رسانه‌ها نوشتند نخست‌وزیر جدید کانادا در نخستین دیدار خود با ترامپ اظهار داشته است «کانادا برای فروش نیست. هرگز فروخته نخواهد شد». ترامپ نیز در واکنش گفته است: «هرگز نگو هرگز!»

نظم قدیمی تمام شد

«فایننشال‌تایمز» هم در گزارشی به نابودی نظم جهانی در نتیجه اقدامات ترامپ پرداخته و با اشاره به این که نظم قدیمی اقتصاد جهانی مرده، نوشته است: چین و اروپا باید به‌دنبال راه‌حل‌های تازه‌ای برای ایجاد نظمی جدیدی در اقتصاد باشند. به گزارش ایرنا از این روزنامه آمریکایی، رویکرد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نه‌تنها از نظر فکری بی‌انسجام است، بلکه برای هر نظم جهانی مبتنی بر همکاری، مرگبار محسوب می‌شود. در همین حال برخی بر این باورند که فروپاشی چنین «جهانی‌گرایی» حتی مطلوب است. وال‌استریت ژورنال در گزارش خود تاکید کرده است که این دیدگاه که جهانی تحت سلطه قدرت‌های بزرگ و غارتگر می‌تواند بهتر باشد، تصوری احمقانه است. با این حال، در حالی که حمایت‌گرایی ترامپ باید شکست بخورد، مرکانتیلیسم (تجارت‌گرایی) چینی نیز نباید پیروز این جنگ اقتصادی شود؛ چرا که این رویداد نیز مشکلات بزرگی را برای جهان ایجاد کرده است. در پایان این گزارش آمده است که نظام اقتصادی جهانیِ تحت رهبری آمریکا دیگر کارآمد نیست. جهان و به ویژه چین و اروپا باید به دنبال راه‌حل‌های تازه برای تنظیم اقتصاد جهانی باشند.

شماری از رهبران غربگرای ونزوئلا به آمریکا گریختند

وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد ۵ رهبر مخالف دولت «نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور ونزوئلا به آمریکا فرار کرده‌اند.

«مارکو روبیو»، وزیر خارجه آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر) با اعلام این خبر گفت: پنج رهبر اپوزیسیون ونزوئلا که برای ۴۱۲ روز در محل اقامت دیپلماتیک آرژانتین در کاراکاس مخفی شده بودند، ونزوئلا را ترک کرده و اکنون در آمریکا به سر می‌برند. وی اعلام کرد از این پنج رهبر اپوزیسیون استقبال می‌کند. به نوشته روزنامه نیویورک‌تایمز، این خبر در حالی منتشر می‌شود که واشنگتن تهدید کرده است که تحریم‌های نفتی شدیدی را علیه ونزوئلا دوباره اعمال خواهد کرد و مجوز فعالیت شرکت «شورون» در ونزوئلا را که تا پایان ماه مه معتبر است، ممکن است تمدید نکند.

به گزارش ایرنا خروج فعالان اپوزیسیون تنها چند هفته قبل از انتخابات منطقه‌ای در ونزوئلا صورت گرفته است. همچنین تلاش دولت ترامپ برای خارج کردن این فعالان از ونزوئلا احتمالاً خانواده‌های آمریکایی‌های زندانی در ونزوئلا را ناامید خواهد کرد. در سال گذشته، چندین خارجی در ونزوئلا از جمله چند آمریکایی بازداشت شدند. در ژانویه(دی)، دولت ترامپ آزادی شش آمریکایی را ممکن کرد، با این حال حداقل ۱۰ آمریکایی دیگر همچنان در بازداشت در ونزوئلا هستند.

همزمان با افزایش تنش‌ها در روابط آمریکا و ونزوئلا عصر دیروز مذاکرات رهبران روسیه و ونزوئلا در مسکو برگزار شد. به گزارش ایرنا رئیس‌جمهوری روسیه در آغاز مذاکرات با همتای ونزوئلایی خود گفت: روابط ما بر اساس معاهده مشارکت استراتژیک میان دو کشور است، این مبنای خوبی برای تعامل مسکو و کاراکاس محسوب می‌شود و در واقع با کار بر این اساس به نتایج خاصی می‌رسیم. پوتین خاطرنشان کرد: گردش مالی ۲۰۰میلیون دلاری میان روسیه و ونزوئلا هنوز با آنچه که از آن راضی هستیم فاصله دارد، اما با این وجود، روند توسعه تجارت دو کشور بسیار خوب است.

به گفته وی، در سال ۲۰۲۴ میلادی، رشد گردش مبادلات تجاری دو کشور ۶۴درصد بود. «نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهوری ونزوئلا نیز در این دیدار گفت: در سال‌های آینده، به لطف معاهده‌ای که امضا خواهیم کرد، می‌توانیم شاهد شکوفایی روابط بین روسیه بزرگ، که امروز یک قدرت کلیدی در جهان است، و ونزوئلا که از آرمان‌های بولیواری و هوگو چاوز پیروی می‌کند، باشیم.

آغاز جنگ بزرگ بین هند و پاکستان؛ ۸ جنگنده ساقط و ده‌ها نفر کشته شدند

سرویس خارجی-

به نظر می‌رسد که شاهد مطلع شوم جنگی دیگر در جهان هستیم، جنگی بین پاکستانَ و هند. با حملات هوائی هند که منجر به کشته شدن ده‌ها پاکستانی شد، پاکستان نیز واکنش نشان داد و تا زمان تنظیم این خبر حدأقل ۸ جنگنده از ۲ طرف ساقط شده‌اند.

هند و پاکستان از زمان استقلال‌شان (استقلال هند از استعمار انگلیس و همزمان استقلال پاکستان از هند) در سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۶ شمسی) تاکنون چهار بار وارد جنگ تمام‌عیار شده‌اند که ریشه اصلی تمامی آنها به مسئله مناقشه‌آمیز کشمیر بازمی‌گردد؛ منطقه‌ای که پس از تقسیم استعماری شبه‌قاره توسط انگلیس، به‌رغم اکثریت مسلمانش، به هند پیوست و از همان ابتدا بذر اختلافی عمیق را میان دو کشور کاشت. نخستین جنگ در سال ۱۹۴۷–۱۹۴۸ (۱۳۲۶–۱۳۲۷) پس از حمله قبایل مسلح مورد حمایت پاکستان به کشمیر آغاز شد و با آتش‌بس تحت نظارت سازمان ملل پایان یافت، که به شکل‌گیری خط کنترل (LoC) انجامید. دومین جنگ در سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) باز هم بر سر کشمیر شعله‌ور شد و با میانجی‌گری شوروی در پیمان تاشکند متوقف گردید. در سومین جنگ در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰)، عامل اصلی نه کشمیر، بلکه بحران جدایی‌طلبی در پاکستان‌شرقی بود که به تولد کشور جدیدی به نام بنگلادش انجامید. چهارمین و آخرین جنگ (البته گویا تا دیروز!)، که گاه به آن «درگیری کارگیل» گفته می‌شود، در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) در منطقه‌ای کوهستانی از کشمیر روی داد، جایی که نیروهای پاکستانی به طور مخفیانه وارد خاک هند شدند و با واکنش شدید ارتش هند روبه‌رو گردیدند. این مجموعه نبردها نشان می‌دهد که تا زمانی که مسئله کشمیر به شکل عادلانه و مورد قبول طرفین حل‌وفصل نشود، سایه جنگ همچنان بر روابط این دو قدرت هسته‌ای، سنگینی خواهد کرد.

آغاز بحران: از حمله پهلگام تا ضربات موشکی هند

بحران اخیر میان هند و پاکستان از انفجار مرگبار در منطقه پهلگام در کشمیر هند آغاز شد؛ حمله‌ای که بنا بر گزارش‌ها ۲۶ غیرنظامی را به کام مرگ کشاند و به‌عنوان مرگبارترین حمله طی ۲۵ سال اخیر در این منطقه شناخته شد. دهلی‌نو بلافاصله انگشت اتهام را به سمت اسلام‌آباد گرفت و اعلام کرد عاملان این حمله از خاک پاکستان وارد شده‌اند؛ ادعایی که پاکستان قاطعانه آن را رد کرد و خواستار تحقیقات بی‌طرفانه شد. در واکنش، ارتش هند و پاکستان وارد یک کشمکش در خط مرزی و آتش‌های سبک شدند تا اینکه سه‌شنبه‌شب طی عملیاتی تهاجمی، ۹ هدف در مناطق مرزی کشمیر تحت کنترل پاکستان را بمباران کرد که به گفته رسانه‌های رسمی، منجر به کشته‌شدن ۲۶ تن و زخمی‌شدن دست‌کم ۴۶ نفر دیگر شد. برخی منابع غیررسمی این تلفات را حتی بیش از این تعداد می‌دانند. همزمان، انفجارهای مهیبی در مناطق مرزی کشمیر پاکستان، از جمله مظفرآباد، گزارش شد که نشان‌دهنده شدت حملات موشکی و هوائی هند بود. هند همچنین اعلام کرد که نیروهایش در بالاترین سطح آمادگی به‌سر می‌برند و نخست‌وزیر «ناریندا مودی» نیز «اختیار کامل» عملیات را به ارتش داده است. برخی منابع خبری نیز از تعویق سفر نخست‌وزیر هند به اروپا در بحبوحه تشدید تنش‌ها با پاکستان خبر دادند.

واکنش اسلام‌آباد: پاسخ تلافی‌جویانه و جنگ هوایی

در پی این حملات، پاکستان از «پاسخی سخت» خبر داد و در ساعات بعد، حملات تلافی‌جویانه‌ای را علیه مواضع هند در کشمیر آغاز کرد. ارتش پاکستان اعلام کرد که دست‌کم ۶ جنگنده هندی را هدف قرار داده و سرنگون کرده است؛ هرچند منابع هندی تنها سقوط سه جنگنده خود را تأیید کرده‌اند و مدعی شدند که سه فروند جنگنده پاکستانی را نیز منهدم کرده‌اند. حتی برخی از منابع مدعی کشته‌شدن یک گردان از هند شدند. حملات دوطرفه به‌ویژه در مناطق مرزی کشمیر به‌شدت ادامه یافت و صدای انفجارها در بخش‌های گسترده‌ای از هر دو سوی خط کنترل شنیده شد. در همین حال، نخست‌وزیر پاکستان، «شهباز شریف»، در بیانیه‌ای رسمی تأکید کرد که ارتش این کشور «پاسخ قاطع» خود را آغاز کرده و در صورت ادامه تجاوز، عملیات نظامی ادامه خواهد یافت. وزیر دفاع پاکستان نیز اعلام کرد که اگر هند حملات را متوقف کند، تنش‌ها قابل کنترل خواهد بود. با تشدید وضعیت، چین و... به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای خواستار خویشتن‌داری دوطرف شد و از هر دو کشور خواست از گسترش بحران اجتناب کنند؛ اما به نظر می‌رسد، بازی قدیمی در کشمیر بار دیگر به یک دور تازه از تنش مرزی انجامیده که می‌تواند به سرعت به درگیری گسترده‌تری تبدیل شود. البته در این‌جا باید توجه داشت که تمام این آمارها تا زمان تنظیم این خبر است و اتفاقات خیلی سریع می‌افتد و در زمانی که شما این گزارش را می‌خوانید خیلی از آمار تغییر کرده است. شاید این گزارش، از بخت بد، گزارشِ مطلع یک جنگ جدید باشد.

در پایان گفتنی است، پاکستان در طول دهه‌های گذشته بارها به عنوان مأمن گروه‌های تروریستی شناخته شده است؛ از پناه دادن به رهبران القاعده گرفته تا حمایت آشکار یا پنهان از گروه‌هایی مانند لشکر طیبه و جیش محمد که در کشمیر و خاک هند عملیات انجام داده‌اند. اعتراف اخیر یکی از وزرای دولت پاکستان به استفاده راهبردی از گروه‌های شبه‌نظامی در سیاست خارجی، تنها تأییدِ دوباره‌ای بر واقعیتی است که جامعه جهانی سال‌ها درباره‌اش هشدار داده بود. در سوی مقابل، دولت ناسیونالیست هند به رهبری حزب دست‌راستی بهاراتیا جاناتا (BJP) نیز با اتخاذ مواضع تند، لغو خودمختاری جامو و کشمیر در سال ۲۰۱۹، و اعمال فشارهای سنگین امنیتی، نه‌تنها فضا را برای گفت‌وگو بسته، بلکه احساسات ناسیونالیستی و انتقام‌جویانه را در منطقه دامن زده است. در چنین فضائی، نمی‌توان تنها یک طرف را مقصر شعله‌ور شدن آتش تنش دانست؛ هر دو کشور با سیاست‌هایی که بیشتر بر منافع کوتاه‌مدت داخلی استوار است تا منطق گفت‌وگو و مصالحه، در چرخه‌ای از دشمنی تاریخی گرفتار شده‌اند که راه‌حل آن تنها در شجاعت سیاسی، شفافیت و اراده واقعی برای صلح نهفته است.

نگاه

شبه قاره هند در آستانه انفجار

سید محمد امین‌آبادی

زخم کهنه «کشمیر» بار دیگر در شبه قاره هند سر باز کرده است و دو کشور هند و پاکستان یک قدم تا جنگ تمام‌عیار با یکدیگر فاصله دارند. این بار مسئله به حادثه تروریستی برمی‌گردد که در شهر «پهلگام» در منطقه کشمیر تحت کنترل هند در تاریخ ۲۲آوریل ۲۰۲۵ (۲ اردیبهشت ۱۴۰۴) رخ داد. در این حمله، ۴ مرد مسلح با گشودن آتش به روی گردشگران در منطقه توریستی پهَلگام واقع در حدود ۹۰ کیلومتری شهر سرینگر، پایتخت تابستانی کشمیر تحت کنترل هند، دست‌کم ۲۷ نفر را کشتند. گروه موسوم به «مقاومت کشمیر» از شاخه‌های لشکر طیبه مسئولیت این حمله را برعهده گرفت.به گفته مقامات هندی این گروه تروریستی با گروه‌های مستقر در پاکستان مرتبط است. در پی این حمله، کمیته امنیت دولت هند تصمیم گرفت کارکنان سفارتخانه‌های هند و پاکستان در کشورهای طرفین کاهش بیابد، توافقنامه «آب سند» لغو شود و تنها گذرگاه مرزی فعال میان دو کشور نیز بسته شود. دولت هند در ادامه واکنش‌های خود در ساعات پایانی سه‌شنبه (۱۶ اردیبهشت) نیز در عملیاتی موسوم به «سندور» با حمله به مناطق مرزی پاکستان اعلام کرد که زیرساخت‌های تروریستی را در پاکستان هدف قرار داده است. عملیاتی که تا به اینجای کار به گفته مقامات پاکستانی ده‌ها کشته و مجروح برجای گذاشته است. دولت پاکستان گفته است واکنش جامع و کاملی به این حمله خواهد داد.

حمله شامگاه سه‌شنبه هند به پاکستان را می‌توان مصداق کامل یک «بحران سیاست خارجی» برای پاکستان دانست. بالاترین ارزش حیاتی برای دولت این کشور یعنی حاکمیت نقض شده است. دولت پاکستان تحت فشار روانی و زمانی بسیار شدیدی برای پاسخگویی فوری به این حمله قرار دارد و وضعیت به‌وجود آمده خطر بسیار بالایی برای شروع یک جنگ خانمانسوز بین دو کشور را در پی دارد. این بحران را می‌توان در دو سطح تحلیل جهانی و منطقه‌ای بررسی کرد. در سطح جهانی وقتی نظم موجود به‌درستی کار نمی‌کند و قوانین و قواعد نظم به‌درستی رعایت نمی‌شود بازیگران در سطح منطقه این فرصت را پیدا می‌کنند تا سیاست مستقل خود را بدون توجه به تبعات آن پیگیری کنند. نظم لیبرالی که پس از جنگ سرد توسط آمریکا در جهان مسلط شده بود با سربرآوردن قطب‌های قدرت در مناطق مختلف جهان و عدم التزام خود آمریکا به قواعد این نظم مدت‌هاست که کارایی خود را از دست داده است. در این وضعیت نهادها و رژیم‌های متولی حفظ صلح و ثبات جهانی کارایی خود را از دست داده و زمینه برای گسترش درگیری‌های منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش فراهم می‌شود. جنگ اوکراین، جنگ غزه و کشتار گسترده ده‌ها هزار غیر نظامی و زیر پا گذاشتن تمامی قواعد آمره بین‌المللی از سوی رژیم صهیونیستی و تجاوزات این رژیم به لبنان و سوریه و حمایت کامل آمریکا از این جنایت‌ها نشان می‌دهد که نظمی که متجاوز به حقوق بین‌الملل را تنبیه کند یا او را از ادامه تجاوز منصرف کند دیگر در جهان وجود ندارد و بازیگران خود باید به فکر حفظ منافع و تمامیت ارضی خود در این جهان شبیه به جنگل باشند.

جنگ تجاری بین آمریکا و چین و بازگشت واشنگتن به منطق ملی‌گرایی اقتصادی، تمایل ترامپ به تصاحب کانادا، کانال پاناما وگرینلند، تهدید به کنار کشیدن از ناتو و تلاش اروپا برای تشکیل یک ارتش اروپایی برای جنگ احتمالی با روسیه طی دهه آینده به‌خوبی نشان می‌دهد که وضعیت نظم بین‌المللی به شدت در حال تغییر است و در شرایطی که نظم جدیدی شکل نگ